



عزاداری باشکوه مجمع حیدریون، حاصل همدلی تعدادی نوجوان از سال ۹۰ تا کنون است

خیمه سوزان، هویت عاشورایی محله شریف

۵۴



عکس: فاطمه جاهدی/شهرآرا

روستاییان محدوده توس، هر شب با مینی بوس خود را به میدان هفت خان می‌رسانند

اهالی گجوان پای ثابت تجمعات شبانه

۶



بوستان محلی امیریه ۶۰ با وجود درختان جنگلی از تجهیزات پارکی بی بهره است
سرسبز اما بی استفاده

۳

بانوان منطقه ۱۱، در دهه دوم محرم امسال برنامه‌ای متفاوت برپا کردند
نذری مشترک مادر دختری

۷

شما می توانید اخبار کوچه و خیابان خود را به شماره ۰۹۳۶۰۶۷۲۶۰۱ در پیام رسان ایتا بفرستید.

شما چه خبر

اهالی آزادشهر در زیارت گروهی

به همت فعالان مساجد آزادشهر، تعدادی از اهالی این محله به صورت دسته جمعی به زیارت حرم مطهر امام رضا (ع) مشرف شدند. این برنامه زیارتی ابتدای این هفته و با مشارکت مساجد امام حسن مجتبی (ع)، امیرالمؤمنین (ع) و فاطمیه برپا شد و به این ترتیب فرصت خوبی مهیا شد که افراد مسن با یاری جوانان در یک زیارت گروهی حاضر شوند. در این مراسم معنوی اهالی آزادشهر، بیش از ۱۴۰ شهروند حاضر بودند که با سه دستگاه اتوبوس عازم حرم مطهر شده و بعد از زیارت تامل مساجد مشایعت شدند.



سوگواری بانوان ورزشکار پارک ملت

بهشتی بانوان ورزشکار بوستان ملت، در دهه دوم محرم، مراسم سوگواری حضرت اباعبدالله...الحسین (ع) و یاران با وفایش را برپا کرده اند. مریبان گروه های ورزشی بانوی این اقدام زیبا هستند و سعی دارند در این ایام، شرایط حضور در مراسم مذهبی را برای بانوان ورزشکار پارک مهیا کنند. این مراسم هر روز از ساعت ۷ صبح آغاز می شود و به مدت نیم ساعت با قرائت زیارت عاشورا، مداحی و پذیرایی همراه است. مراسم سوگواری دهه دوم محرم توسط بانوان ورزشکار بوستان ملت برای ششمین سال متوالی برپا می شود و هر سال به تعداد مخاطبان افزوده شده است.

بانوان «ارمغان» در کلاس خانواده

تعدادی از بانوان شهرک ارمغان در دوره مدیریت خانواده و پیشگیری از بحران های خانوادگی حاضر شدند. این برنامه در مسجد امام علی (ع) شهرک ارمغان برگزار شد و حدود سی بانو در دو کلاس و در کلاس های سه ساعته آموزش های لازم را فرا گرفتند. کلاس مدیریت خانواده شهرک ارمغان به همت هیئت امنای مسجد و بانوان فعال فرهنگی برای اولین بار با حضور روان شناسان مجرب شهر برگزار شد. این کارگاه با محوریت پیشگیری از مشکلات خانوادگی و آموزش چگونگی سلامت اجتماعی بانوان و جوانان، افزایش آگاهی سبک زندگی سالم و سلامت روان دایر شد.



اهالی محله شهید رضوی، داوطلب تفکیک زباله

در هفته ای که گذشت، اهالی محله شهید رضوی، نحوه تفکیک زباله از مبدأ را فرا گرفتند. این دوره آموزشی در مسجد ولیعصر (عج) و به همت شورای اجتماعی محله شهید رضوی برگزار شد. در این برنامه سه ساعته، چهل شهروند داوطلب یادگیری تفکیک زباله از مبدأ شدند تا در حفاظت از محیط زیست نقش ایفا کنند.



پسران منطقه ۱۱، کنار کودکان کار در یک رقابت ورزشی خاص شرکت کردند هر قدم به یاد میناب

رقابت دوگانه دو و دو چرخه سواری کودکان و نونهالان پسر منطقه ۱۱، به یاد شهدای میناب برگزار شد. در این رقابت ورزشی که به میزبانی بوستان چهل بازه برگزار شد، به دعوت معاونت اجتماعی و فرهنگی شهرداری منطقه ۱۱، کودکان کار محلات مختلف حضور پررنگی داشتند تا لحظات متفاوتی را تجربه کنند. قبل از شروع این برنامه، پسران منطقه ما با مرور حادثه تلخ مدرسه میناب، شاخه های گل را تقدیم تصاویر شهدای عزیز کردند. در پایان رقابت، دررده کمتر از دوازده سال، ساسان خواجوی، آرش امام وردی و عرشیا ربیعی و دررده سنی دوازده تا چهارده سال میلاد صدیقی، امیرحسین شرفی و مهیار باقری رتبه های برتر را کسب کردند.



کمد های شخصی در اختیار بانوان «ملت»

به همت مدیریت بوستان ملت و با توجه به تقاضای مکرر بانوان، کمد های شخصی در بوستان شهرداری نصب شد. طی این اقدام، شصت کمد شخصی در این فضا قرار گرفت تا بانوان با شرایط رفاهی مطلوب تری از این مجموعه استفاده کنند. نصب کمد در ورودی بوستان، علاوه بر رفع نیاز شهروندان، موجب سامان دهی ورودی پارک شهرداری ملت شد.

«مادر و کودک» هوشمند می شود

بوستان مادر و کودک به عنوان نخستین بوستان منطقه ۱۱ در حوزه مصرف انرژی، هوشمند می شود. عملیات ایجاد زیرساخت ها برای این اقدام، از سوی سازمان فاوای شهرداری مشهد آغاز شده است. با اجرای این طرح، روشنایی بوستان و پایش مصرف آب آن به صورت هوشمند صورت می گیرد و مصرف انرژی به صورت محسوسی کاهش خواهد یافت.

از میان برداشتن تابلوهای غیرمجاز

به همت اداره خدمات شهری شهرداری منطقه ۱۱، تابلوهای تبلیغاتی غیرمجاز از منطقه جمع شد. این اقدام با هدف زیباسازی بصری و ایجاد توازن در فضا های شهری انجام گرفت و به این ترتیب سی تابلو غیرمجاز جمع آوری و برای بیست واحد متخلف هم اخطاریه صادر شد.

شهر خبر



بوستان محلی امیریه ۶۰، با وجود درختان جنگلی از تجهیزات پارکی بی بهره است

سرسبز اما بی استفاده!

حسین برادران فرا چند سال قبل، درختان بوستان ارغوان واقع در امیریه ۶۰ یا همان معبر شهید اسماعیل گنجعلی، توسط شهرداری منطقه، کاشته شد. امروز آن نهال های کوچک به درختان بزرگ و سایه داری تبدیل شده اند که نظر هر رهگذری را به خود جلب می کنند. با وجود این، ساکنان کنار این بوستان به دلیل نداشتن امکانات و جنگلی بودن فضای سبز، بهره چندان از این مجموعه نمی برند و درخواست تغییر وضعیت و افزایش امکانات این بوستان محله نقویه را دارند.



افرادى که در محله با ما هم صحبت می شوند، معتقدند این سرقت ها زورگیری هادر محله از سوی افراد خلافکاری که اینجرا پاتوق خود کرده اند، اتفاق افتاده است.

زهرا خدواری، یکی دیگر از ساکنان، می گوید: شب ها جرئت تردد در فضای سبز را نداریم؛ چون هر لحظه امکان دارد یکی از همین افراد مزاحم، جلوراهمان سبز شود و قصد اخاذی و زورگیری از ما را داشته باشد. باتوجه به هزینه های زیادی که شهرداری برای نگهداری و پرورش درختان این بوستان پرداخته است، همسایه ها درخواست ایجاد امکانات رفاهی و تفریحی برای این بوستان را دارند. رضا شفیعی می گوید: سال هاست که شهرداری این درختان را هرس، آبیاری و نگهداری می کند و هزینه های بسیاری را متحمل شده است، اما همان طور که همسایه ها گفتند، متأسفانه بوستان هیچ استفاده و منفعتی برای شهروندان نداشته و همه این هزینه ها هادر رفته است. مردم تنه راه حل قابل استفاده بودن این بوستان را تبدیل آن به یک پارک محلی می دانند.

طرح نو برای بوستان محلی

پیگیری مالز شهرداری منطقه ۱۲ حاکی از آن است که بهبود این فضای سبز محلی در دستور کار قرار دارد. رئیس اداره فضای سبز شهرداری منطقه ۱۲ می گوید: کاشت نهال و پرورش آن ها در این فضای سبز سرمایه بوده و برای تبدیل بوستان جنگلی به پارک محلی بسیار ارزشمند است. علیرضا عسگری توضیح می دهد: در حال حاضر برای پروژه تبدیل بوستان جنگلی ارغوان به یک پارک محلی استاندارد، مشاوره تعیین شده است و مطالعات طرح و چگونگی فضا سازی و برآورد هزینه ها تا پایان سال انجام خواهد شد.

او اضافه می کند: این طرح در راستای پروژه های مربوط به سال ۱۴۰۶ در صحن شورای شهر مطرح خواهد شد تا در صورت تأیید، اعتبار لازم اخذ شود و بتوانیم در سال آینده، بوستان را به یک پارک محلی مناسب تبدیل کنیم.

بی شباهت به بوستان

بنا به گفته شهروندان ساکن این محدوده، بزرگ ترین مشکل بوستان ارغوان، جنگلی بودن آن است. این موضوع که می توانست یک ظرفیت محلی باشد، تبدیل به خطری محلی شده است؛ به گونه ای که افراد بزهکار در این بوستان جنگلی رفت و آمد می کنند و این خوشایند اهالی نیست. علیرضا محمدی، یکی از شهروندان ساکن، بانسان دادن تابلویی که در ورودی بوستان قرار دارد، می گوید: تنها شباهت این بوستان با دیگر فضاهای سبز شهری، همین تابلویی است که روی آن اسم بوستان «ارغوان» نوشته شده است. در اینجا مجموعه ای از درختان کاشته شده و تعداد زیادی از بوته های خار و خاشاک وجود دارد و همین طور که می بینید، ظاهری جنگلی دارد که باعث می شود بیشتر افراد نایاب برای خلاف لایه لای درختان، به آن مراجعه کنند تا شهروندان عادی! ساکن محله نقویه ادامه می دهد: شرایط اینجا به گونه ای است که دو سال قبل چند نفر از شهروندان برای سیزده به در قصد استفاده از این فضا را داشتند و بین خار و خاشاک آن گیر کرده و دچار آسیب و صدمه جسمی شده بودند.

خلافکاران به جای مردم عادی در پارک

بوستان جنگلی ارغوان که سیستم روشنایی ندارد و شب هادر تاریکی مطلق فروری رود، به مکانی ناامن و پاتوقی برای افراد مزاحم تبدیل شده است. جواد کمالی با تأیید این موضوع می گوید: بارها شاهد جمع شدن معتادان و کارتن خواب هادر این فضای جنگلی بوده ام که برای کشیدن مواد مخدر دور آتش جمع شده اند. ظاهراً مزاحمت این افراد تنها دلیل شکایت مردم نیست. کمالی در ادامه می گوید: رها شدن این محدوده و نبود شرایط مناسب برای تردد شهروندان عادی در بوستان، مزید بر علت شده و شرایط ناامنی و سرقت های شبانه را مهیا کرده است. تاکنون چند مورد سرقت از مجتمع ها و حتی زورگیری گزارش شده است.

آزادسازی اراضی توس به نفع شهر

با اجرای حکم مقام قضایی از سوی اداره مهندسی و نظارت بر ساخت و سازهای شهرداری منطقه ۱۲، حدود ۱۳ هزار متر مربع از اراضی حریم شهر آزاد شد. با این اقدام، حکم شش بنای متخلف اجراوی و شفته این فضاها به صورت کامل تخریب شد. افراد متخلف با ساخت دیوار در زمین های کشاورزی در صدد تغییر کاربری زمین های کشاورزی بودند.

رفع ناهمواری های معابر الهیه

با اقدام معاونت فنی و اجرایی شهرداری منطقه ۱۲، بخشی از مسیرهای سواره رونا هموار محدوده الهیه تسطیح شد. مساحت حدودی این عملیات عمرانی ۱۵۰ متر مربع است و بیش از ۱۰ میلیون تومان اعتبار برای اجرای آن هزینه شده است. این پروژه در میدان محمدیه، الهیه ۶، شهید فرشچی ۸، رحمانیه ۴، امیریه ۳۱ و شهید تقی زاده ۴ اجرایی شد.

جداسازی آب شرب و آب خام در بوستان های الهیه

با اقدام اداره فضای سبز شهرداری منطقه ۱۲، شبکه جداساز آب شرب از آب خام در محدوده الهیه راه اندازی می شود. با اجرای این طرح، سه بوستان و فضای سبز یک معبر اصلی تا پایان سال مجهز به شبکه جداساز آب خواهد شد. در نخستین گام از این طرح، شبکه جداساز برای فضای سبز بولوار الهیه و پیاده راه های الهیه ۱۸ و ۱۷ اجرایی شود.



تابستان امسال، شاهنامه فردوسی بچه های توس را دور هم جمع کرده اند

وقت نقالی و نقاشی

کودکان و نوجوانان محدوده منفصل شهری توس، ایام فراغت تابستان را با نقالی و نقاشی داستان های شاهنامه سپری می کنند. برنامه «نقالی و نقاشی» با هدف ایجاد پیوند کودکان و نوجوانان با مفاهیم غنی شاهنامه تدارک دیده شده و علاوه بر استقبال این گروه سنی، برای بازدیدکنندگان هم جالب بوده است. این برنامه روزهای سه شنبه و پنجشنبه هر هفته به همت مدیریت آرامگاه، در باغ فردوسی برگزار می شود و کودکان و نوجوانان توس را دور هم جمع می کند.



نوجوانان توس، داستان های شاهنامه فردوسی را به صورت نقالی فرامی گیرند و در طول هفته برای مسافران و گردشگران اجرا می کنند. کودکان هم داستان ها را به صورت نقاشی روی صفحه می آورند و در پایان هفته، نقاشی ها به صورت نمایشگاهی برای بازدیدکنندگان به نمایش درمی آید.

چرا خودمان
هیئت راه
نپنداریم؟



حمید فرهمند یکی از آن ده نوجوانی است که در اوایل دهه ۸۰ تصمیم به راه اندازی یک هیئت گرفتند. او که امروز در کسوت یک آتش نشان به مردم خدمت می‌کند، از روزهایی می‌گوید که مسجد محله، پایگاه اصلی دوره‌های هیئت‌ها بود. جمعی ده نفره، نوجوان‌هایی بین چهارده تا شانزده سال بودند که بیشتر وقتشان با هم می‌گذشت؛ از تفریح و بیرون شهر رفتن گرفته تا شرکت در مراسم مذهبی، به ویژه در ماه‌های محرم و صفر.

فرهمند تعریف می‌کند: اصل شکل‌گیری جمع دوستانه و دوره‌های مذهبی ما چند نفر به اوایل دهه ۷۰ برمی‌گردد. آن سال هادر محدودده محله ما، مراسم عزاداری دهه‌های محرم و صفر یاد هه فاطمیه، مثل امروز پررنگ نبود. بیشتر روضه‌ها خانگی و مجالس زنانه بود. همین موضوع بهانه‌ای بود تا ما که سیزده چهارده ساله بودیم، برای شرکت در دسته‌های عزاداری و سینه‌زنی به دیگر محلات شهر برویم. چند سال حضور در دسته‌های عزاداری هیئت‌های دیگر محلات که با محله شریف فاصله بسیار داشت، یک پرسش مشترک را در ذهن آن‌ها پررنگ کرده بود که «چرا خودمان هیئت و دسته عزاداری راه نپنداریم؟» این پرسش، در ماه محرم سال ۱۳۸۴ به یک تصمیم جدی تبدیل شد: تصمیمی که نقطه آغاز راه اندازی «مجمع حیدریون و محفل رهروان شهید» بود.

نامی برای یک
مسیر

«حمید صمصامی، علی حاجیان، وحید فرهمند، رضا شفیعی، بهروز... و ردی، رسول لعل، ایمان نوروزی، احمد غلامی، سعید اطمینان، بچه محل‌هایی هستند که نمی‌شود از مجمع حیدریون نام برد و آن‌ها یاد نکرد؛ کسانی که از ابتدای راه، با حضورشان و قدم‌هایی که برای این هیئت برداشتند، به رونق آن کمک کردند.» این‌ها فرهمند می‌گوید تا از رفقا و پایه‌گذاران اولیه هیئت محله‌اش یاد کند و نامی که با تفکری جمعی برای هیئت محله انتخاب شد: «پیش از هر اقدامی، به دنبال انتخاب نامی برای هیئت نوپایمان بودیم که هویت و مسیر ما را مشخص کند و آن را در اداره ارشاد اسلامی به ثبت برسانیم. گزینه‌های مختلفی مطرح شد، اما ما می‌خواستیم اسم هیئتمان خاص باشد و تکراری نباشد. سرانجام روی اسم «مجمع حیدریون و محفل رهروان شهید» به اتفاق نظر رسیدیم؛ نامی برگرفته از لقب حضرت علی (ع) که نماد شجاعت و شهامت بود. علت انتخاب این نام هم برای این بود که احساس می‌کردیم زیر پرچمی مزین به نام مولا علی (ع)، انگیزه، جرئت و جسارت بیشتری برای ادامه مسیر پیدا می‌کنیم.»

جوان دهه شصتی محله شریف از روزی می‌گوید که برای ثبت هیئت محله با چند نفر از دوستانش به اداره ارشاد اسلامی رفته بودند و وقتی مسئول ثبت هیئت، اسم انتخابی‌شان را پرسیده بود، با شنیدن نام «مجمع حیدریون» تعجب کرده و گفته بود این اولین بار است چند نوجوان از «حیدر»، لقب حضرت علی (ع)، برای نام‌گذاری هیئت خود استفاده کرده‌اند.

اولین پرچم و
شروع روضه‌های
خانگی

بعد از ثبت نخستین هیئت محله شریف در اداره ارشاد، نوبت به تهیه پرده‌ای به نام هیئت بود. فرهمندی روزی راه‌یادی آورد که بایک دو تا از اعضا برای خرید پارچه به بازار قماش رفته و پارچه‌ای شش متری برای نوشتن پرده تهیه کرده بودند. او تعریف می‌کند: عمومیم که خطاطی روی پرده را بلد بود، نوشتن نام هیئت را به عهده گرفت و همان پارچه ساده، اولین پرچم و نشانه هیئت ما شد. همان خانه‌هایی که روزها به شکل گردشی در خانه همسایه‌های همراه برگزار می‌شد؛ همان خانه‌هایی که صاحب خانه‌هایش از مشتاقان سینه‌زنی و نوحه خوانی برای امام حسین (ع) و ذکر مصیبت کربلا بودند. ما به جز مراسم دهه اول محرم که بسیار پررنگ برگزار می‌کردیم، در طول سال، در دهه فاطمیه و دهه آخر صفر هم برنامه داشتیم و مراسم را به دو ماه محرم و صفر محدود نکرده بودیم. جلسه ثابت ما هم یکشنبه‌ها برگزار می‌شد. همین زمان بندی متفاوت، زمینه‌ای شده بود که سینه‌زن‌ها و جوانان حسینی از سایر هیئت‌ها به هیئت ما بیایند. کم‌کم صدای عزاداری و برپایی مراسم مذهبی هیئت نوپای محله شریف در کوچه پس‌کوچه‌های محله پیچید؛ هیئتی که با جمعی کوچک آغاز شده بود، آرام آرام ریشه دار شد.

پیچ و خم‌های
علم کردن خیمه

سال‌های بعد، ایده برپایی مراسم «ظهر عاشورا و خیمه سوزان» از سوی اعضای هیئت پیشنهاد شد. در آن زمان، چنین مراسمی نه تنها در محله شریف که در دیگر محلات مناطق اطراف هم برگزار نمی‌شد و مردم برای دیدن آن مراسم باید به مناطق مختلف شهر مثل میدان احمدآباد و چهارراه بهار سجاد می‌رفتند. از این رو اعضای مجمع حیدریون تصمیم گرفتند مراسم خیمه سوزان را در قلب محله خودشان اجرا کنند. برای برپایی خیمه، آن‌ها راهی بازار قماش شدند و پارچه متقال خریدند. آن روزها، هر کدام از اعضای پای کار هیئت که مادرش در خانه چرخ خیاطی داشت، آن را به مسجد آورد. حتی یکی دو نفر از همسایه‌ها چرخ خیاطی‌هایشان را در اختیار نوجوان‌ها گذاشتند. حمید فرهمند که تا چند سال کار برش و دوخت چادر را به عهده داشت، بالبخند از آن روزها یاد می‌کند و می‌گوید: برای اینکه اضلاع چادر دقیق دربیاید، کتاب ریاضی را آورده بودم و با محاسبات دقیق اندازه‌ها را در می‌آوردیم و با کمک بچه‌ها پارچه‌ها را برش می‌زدیم.



عزاداری باشکوه مجمع حیدریون، حاصل هم

خیمه سوزان
عاشورایی



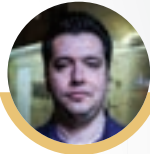
فاطمه سیرجانی ظهر عاشورا که می‌رسد، تقاطع خیابان دندانه‌شکان ۹ دیگر شبیه روزهای معمولی نیست. صدای نوحه و سنج در کوچه‌های محله شریف می‌پیچد، خیمه‌ای در میانه میدان‌ها برافراشته می‌شود و هزاران نفر، گرد آن می‌ایستند تا روایت غریب اهل بیت (ع) و سرور و سالار شهیدان، امام حسین (ع)، را با چشمانی اشک بار به تماشا بنشینند. در سال‌های اخیر، این آیین، یکی از بزرگ‌ترین مراسم خیمه سوزان غرب مشهد بوده است اما کم‌تر کسی می‌داند

او درباره تعداد خیمه‌هایی که برای سوزانده شدن در ظهر عاشورا علم می‌شود، می‌گوید: روال کار ماد وخت و علم کردن یک خیمه بزرگ شش ضلعی است. یک سال با اشتباه محاسباتی یک ضلع کمتر برش خورد و کلی پارچه اضافه آوردیم. برای همین تصمیم گرفتیم خیمه‌ای کوچک‌تر در کنار آن خیمه به پا کنیم. آن سال، شور و هیجان خیمه سوزان با طفلانی که از آن خیمه کوچک فرار کرده بودند و به دست اشقیاسیر می‌شدند، روایتی تمام احساسی به داستان واقعه کربلا و روایت خیمه سوزان ما و آنچه ما و واقعه عاشورا نشان می‌دادیم، بخشیده بود.

فرهمندی از نخستین اجرای این مراسم در عاشورای سال ۹۰ خاطره‌ای دارد. او تعریف می‌کند: ما برای گرد هم آوردن مردم در محل اجرای مراسم خیمه سوزان، بعد نماز ظهر، دسته عزاداری از مقابل مسجد سبحان راه انداختیم. دسته عزاداری با طبل و سنج و نوحه خوانی کوچه به کوچه در محل دور می‌زد و مردم به دنبالش می‌رفتند. همراه جمعیتی حدود چهارصد یا نصد نفره پشت سر دسته عزاداری به محل اجرای نمایش خیمه سوزان رفتیم تا برنامه در آنجا ادامه پیدا کند.

دلی تعدادی نوجوان از سال ۹۰ تا کنون است

ایران، هویت محله شریف



از جمع ده نفره نوجوانانی که در دهه ۷۰ گرد هم آمدند فقط موفق به گفت و گو با دو نفر می شویم. کسانی که از همان ابتدای راه اندازی هیئت پای کار بودند و امروز آوازه مراسم خیمه سوزانشان، طوری در سرتاسر شهر پیچیده است که خیلی ها در محدوده غرب شهر برای تماشای مراسم ظهر عاشورا راهی بولوار دندان پزشکان می شوند. عطا صفرلی، یکی از اعضای پای کار این مراسم، تعریف می کند: سال اول اجرا هیچ تبلیغی نکردیم. از مسجد سبحان، دسته عزاداری هیئت ماراه افتاد تا دندان پزشکان ۹ که به خاطر وسعتی که داشت، برای مراسم سوزاندن خیمه انتخاب و برای اجرای مراسم مهیا شده بود. جمعیتی از همسایه ها و محلی ها پشت سر هیئت ماراه افتاده بود. آن سال، چند نفر از بچه ها نقش اشقیابارا ایفا می کردند و چفیه سرخ روی سر و صورتشان، نشان از بیزیدی بودنشان داشت. دیا لوگ های مناسب آن مراسم را هم از دست نوشته های تعزیه خوان ها الگو برداری کرده بودیم. سال های بعد با اضافه شدن تماشاگران و علاقه مندان به این آیین، ما هم سعی کردیم برنامه پخته تر و بهتری را به نمایش بگذاریم و حالا در روزهای عاشورا چندین هزار سوگوار به تماشای مراسم می آیند.

او ادامه می دهد: در این سال ها، یک گروه تئاتر حرفه ای برای نمایش تعزیه خوانی به هیئت پیوسته و لباس و تجهیزات مانند لباس، کلاه خود و شمشیر برای بهتر شدن کار تهیه شده است. حالا در نمایش خیمه سوزان، نقش های اشقیابای سرخ پوش را حذف کرده ایم و نقش حضرت عباس (ع)، حضرت رقیه (س)، حضرت سکینه (س) و... اضافه و برای هر کدام، لباس خاص آن شخصیت تهیه شده است. اضافه شدن این نقش ها و اجرای مراسم تعزیه خوانی با حضور نوجوانان و جوانان، حس و حال بهتری به این مراسم بخشیده است. صفرلی از فضا سازی دشت کربلا می گوید: خاک اره هایی که در محدوده اجرا، زمین را خاکی رنگ می کند و نهر علقمه که شبیه سازی می شود تا صحرای کربلا در حد امکان تداعی شود.

میزبانی بزرگ اهالی در ظهر عاشورا

امروز خیمه سوزان مجمع حیدریون فقط یک مراسم مذهبی نیست؛ بخشی از هویت محله شریف است؛ آیینی که با همت چند نوجوان آغاز و با همراهی خانواده ها، همسایه ها و اهالی محله سال به سال بزرگ تر و پر شور تر شد. حالا ظهر عاشورا، هزاران نفر از نقاط مختلف مشهد، راهی این محله می شوند تا روایت مردمی عاشورا را از نزدیک ببینند. شاید راز ماندگاری این مراسم همین باشد؛ خیمه ای که با دست های یک محله دوخته شد، با همدلی همان محله برپا ماند و شعله هایش، هر سال، دل هزاران عزادار را در غرب مشهد به آتش می کشد.

سقف امن رفاقت خانه حاج محسن

وقتی نام «هیئت مجمع حیدریون و محفل رهروان شهدا» در محله شریف به میان می آید، در پس شکوه مراسم و خیمه سوزان، نامی وجود دارد که ستون پنهان این آیین است؛ مردی به نام محسن اطمینان. حاج محسن، معتمد و ریش سپید متواضع محله که مناعت طبعش اجازه گفت و گو و گفتن از خود را به او نمی دهد، حکایتی متفاوت از «معتمد بودن» دارد. او در محله شریف، نه فقط یک نام، که تکیه گاهی برای نوجوانان و جوانان محله است؛ کسی که معنای واقعی «حمایت» را در سکوت کارهای خیرش معنا کرده است.

داستان پانزده سال گذشته در خانه او، فراتر از یک چهار دیواری و سقف بالای سراسر است. حاج محسن از سال ۹۰ تا کنون زیرزمین خانه اش را در اختیار جوانان این هیئت قرار داده است تا جلسات هفتگی خود را در آنجا برگزار کنند. همچنین تمرینات اعضای شبیه خوانی این هیئت در این سال ها در این مکان برگزار شده است و به هماهنگی بهتر و نظم شایسته مراسم کمک شده است.

ریشه پا گرفتن این مراسم باشکوه به دورهمی های ساده چند نوجوان در پارکینگ یکی از مجتمع های مسکونی محله می رسد؛ آن پارکینگ در آن روزها نمازخانه محله بود.

نوجوانان دیروز محله شریف آن سال ها نه امکاناتی داشتند و نه پشتوانه ای؛ فقط دلی داشتند که برای امام حسین (ع) می تپید و آرزویی که سال ها بعد، به همت اعضای مجمع حیدریون و محفل رهروان شهدا، هویت عاشورایی محله شان را ساخت.

همه برای برپایی باشکوه مراسم، همراه شدند

آن زمان، نوجوان های مجمع حیدریون نمی دانستند که برای چنین مراسمی باید مراحل اداری و دریافت مجوز طی شود.

در نخستین مراسم خیمه سوزان در محرم سال ۹۲، نه هماهنگی ای با آتش نشانی انجام گرفت و نه مجوزی از کلانتری و شهرداری گرفته شده بود. خودروهایی انتظامی و آتش نشانی که از طرف بعضی همسایه ها خبردار شده و برای بررسی موضوع در محل حاضر شده بودند، وقتی فهمیدند برگزار کنندگان، جوانان محله هستند، به جای جمع کردن بساط تعزیه خوانی، برای تأمین نظم و ایمنی محله در کنار آن ها ماندند. حتی پاکبان با وجود اتمام ساعت کاری اش در محل ماند تا بعد مراسم در نظافت کوچه کمک کند. به گفته فرهمند، «این همراهی ها و اخلاص ها، انگیزه ای مضاعف و قوت قلبی شد برای او و دوستانش که برای ادامه مسیری که انتخاب کرده بودند، مصمم تر از گذشته قدم بردارند.»





راه تجربه

روستاییان محدوده توس، هر شب با مینی بوس، خود را به میدان هفت خان می‌رسانند

اهالی گجوان، پای ثابت تجمعات شبانه



معترضان هم با ما همراه شدند

در روستای گجوان، مردم پای کار ایران و انقلاب هستند؛ از روحیه انقلابی مردمش در دهه ۵۰ گرفته تا شهدایی که تقدیم وطن کردند و حضور پررنگ این شب‌هایشان در میدان هفت خان. یکی از آن‌ها، حجت الاسلام والمسلمین حسین بابوته است که مدت‌ها به عنوان امام جماعت مسجد گجوان در خدمت مردم است. او هر شب با اهالی گجوان در میدان هفت خان توس حاضر است. حجت الاسلام والمسلمین بابوته می‌گوید: ما پیش از شروع جنگ و پس از اتفاقات دی ماه در بولوار شاهنامه حاضر شدیم و چند شب تجمع حمایت از ایران اسلامی را برگزار کردیم.



او ادامه می‌دهد: اهالی گجوان و به خصوص جوانان ما اعتراضاتی در این مدت داشتند و مطالباتی را مطرح می‌کردند. در آن جو سنگین در مسجد محله با آن‌ها گفت‌وگو کردیم و وقتی متوجه وضعیت خاص مملکت شدند، تصمیم گرفتند با ما همراه شوند و از اولین شب بعد از اعلام شهادت رهبر انقلاب در میدان هفت خان هم قدم ما هستند.

نذر گریه برای رسیدن به هفت خان

مجید سمندری گجوان یکی دیگر از دست‌اندرکاران و فعالان تجمعات شبانه اهالی گجوان در میدان هفت خان است. به گفته او، برای دیده شدن و تأثیرگذاری بیشتر این تجمعات، قرار می‌شود اهالی گجوان به میدان هفت خان بیایند و در این محل تجمع کنند. سمندری می‌گوید: مشکل بزرگ مادوری راه و نبود وسیله نقلیه بود که این موضوع نیز با همت و همراهی اهالی حل شد. چند نفر از مینی بوس‌رانان توس اعلام آمادگی کردند که هر شب اهالی را به میدان هفت خان می‌آورند و نیمه شب به روستا برمی‌گردانند. از همان شب سه مینی بوس با تعدادی خودرو شخصی اهالی را به میدان هفت خان می‌آورند.

به گفته آقا مجید، در شب‌های بعد افرادی بودند که «نذر گریه» می‌کردند و هزینه رفت و برگشت مسافران را به صاحبان مینی بوس‌ها می‌دادند.

سمندری با بیان صحنه‌های زیبا و دیدنی از همراهی و همدلی مردم روستا در طول این مسیر، می‌گوید:

حسین برادران فرا جمعیت زیادی از مردم پرچم به دست در میدان هفت خان تجمع کرده‌اند. در میان آن‌ها علاوه بر ساکنان محلی و بومی، کسانی نیز هستند که مسافتی طولانی را هر شب طی می‌کنند و خودشان را به این محل می‌رسانند تا در این تجمع شبانه شرکت کنند. اهالی روستای گجوان از محدوده‌های توس، از جمله این افراد هستند که هر شب مسیری طولانی را سوار بر مینی بوس می‌شوند و از پشت آرامگاه فردوسی به میدان هفت خان می‌آیند تا در این مراسم شرکت کنند؛ مردمانی که با همت بلند خود، غیرت و تعصب به وطن را نمایش می‌دهند.

حاضریم جانم رافدای ایران کنیم

عباسعلی واحدالعین یکی دیگر از اهالی روستای گجوان و شرکت‌کنندگان در تجمعات شبانه است. او با وانتش هر شب تعدادی از مردم مشتاق برای حضور در این مراسم را به میدان هفت خان می‌آورد. وقتی از عباسعلی که این وانت تنهامنبع کسب درآمدش است، می‌پرسیم هزینه رفت و آمد را از مردم

می‌گیری، با چهره درهم رفته می‌گوید: گریه چیست؟ من به این کار افتخار می‌کنم. کار کردن برای دفاع و حمایت از وطن و پرچم همانند کار برای محرم و امام حسین (ع) مقدس است و ثواب دارد. اگر روزی لازم باشد که برای دفاع از کشور و پرچم جانم را هم بدهم، درنگ نمی‌کنم. خیلی‌ها در همین دو جنگ تحمیلی اخیر عزیزانشان را از دست دادند و باز هم در اولین صف راهپیمایی‌های شبانه قرار دارند. من در چنین وضعی شرمندۀ همه آن‌ها هستم که نمی‌توانم کار بیشتری انجام بدهم.

او با بیان اشتیاق مردم برای شرکت در این تجمعات شبانه، توضیح می‌دهد: یک شب که در مسیر روستا به سمت میدان هفت خان بودیم، کنار خیابان متوجه مردی سوار بر ویلچر شدم. دست بلند کرد که بایستم. اصرار داشت که او را هم با خودمان ببریم. چند نفری او را سوار وانت کردیم. خوش حالی‌ای را که در صورت و چشمان او بود، هرگز فراموش نمی‌کنم.

همدلی برای حفظ ایران

مردی مسن در جمعیت حضور دارد که تجربه حضور در جنگ تحمیلی هشت ساله و مبارزه با ضدانقلاب در غرب کشور را در خاطرات جوانی اش دارد؛ روزهایی که دشمن متجاوز با دست‌گذاشتن روی اختلافات قومی و مذهبی به دنبال تجزیه و فتح ایران بود. حاج محمد منوری، رزمنده سال‌های دفاع مقدس و پرچم دار امروز میدان هفت خان، همراه چهار پسرش آمده است تا یک بار دیگر نقشه شوم دشمنان را نقش بر آب کند. حاج محمد با یاد روزهای حضورش در جبهه کردستان، می‌گوید: دشمن با همین سیاست تفرقه، مردم یک شهر، خانواده و قبیله را به جان هم انداخته بود. اما تدبیر امام خمینی (ره) این سیاست را درهم شکست و در سایه اتحاد مردم و رهبری ایشان، آشوب‌های غرب برطرف شد.

این رزمنده با تجربه در ادامه می‌گوید: این سیاست نخ‌نمای دشمن، امروز با رنگ و لعابی تازه ظهور کرده، اما نقشه یکی است. هدفش تجزیه و ضعیف کردن ایران است. همه باید آگاه باشند و بدانند که تنها راه پیروزی در اتحاد و همدلی است.

خانم‌ها، مشوق خانواده برای حضور در میدان

در بین راهپیمایان گجوان، زن‌ها نیز حضور پررنگی دارند. مهناز بندار یکی از این خانم‌های همیشه حاضر است. او با اشاره به نقش مادری و خانه‌داری خانم‌ها، می‌گوید: همه تلاش ما بر این بوده است که با مدیریت و سامان‌دهی وضعیت خانه و خانواده، با خیال راحت در راهپیمایی شرکت کنیم. ما خانم‌هایی داریم که مشوق شوهر و فرزندان‌شان برای شرکت در راهپیمایی‌ها هستند.

خانم بندار که شاهد حضور مستمر و بی‌وقفه راهپیمایان در وضعیت سخت جوی و بارانی بوده است، از زبان همه حاضران در این تجمع توضیح می‌دهد: همه این افراد که چند ماه است از خواب و وقت خود زده‌اند و شب‌زنده‌دار بوده‌اند، از مسئولان کشور انتظار دارند که خون خواه رهبر شهید و شهیدان وطن باشند.



بانوان منطقه ۱۱، در دهه دوم محرم امسال، برنامه‌ای متفاوت برپا کردند

ندری مشترک مادر دختری

عیدگاه

● زندگی حسینی با نسل آینده

حضور کودکان و نوجوانان در کنار مادرانشان برای پذیرایی از شهروندان، از قاب‌های خاص این برنامه سه روزه است. محدثه شکوه مقامی که یکی از بانوان مشارکت‌کننده است، می‌گوید: بچه‌ها کارهای خوب و بد والدین را یاد می‌گیرند و ما به واسطه این مراسم سعی کرده‌ایم یک کار زیبا و خداپسندانه را به آن‌ها یاد بدهیم.

این بانو ادامه می‌دهد: بچه‌ها امروز در یک محاصره فرهنگی هستند و این ما هستیم که باید رسوم چندین ساله را به آن‌ها یادآوری کنیم. بچه‌های کوچک‌تر کار امروز را یک تفریح می‌بینند اما بچه‌های بزرگ‌تر، آن را تمرینی برای مسئولیت‌پذیری می‌دانند. همان‌طور که پدران و مادران، نسل ما را با فرهنگ و زندگی حسینی آشنا کردند، ما هم در قبال فرزندانمان چنین مسئولیتی داریم.

● حاجت و ارادت بانیان سفره حسینی

هرگونه نذری ای که این روزها در سراسر شهر دیده می‌شود، در ورودی بوستان مادر و کودک به صورت یک جامه‌پاشیده است. از شربت و شله‌زرد گرفته تا شیر و چای و فرنی و خرما و... برخی از بانوان که در این کار مشارکت کرده‌اند، برای رفع حاجتشان دست به سوی صاحبان این ایام دراز کرده‌اند. فرشته قلی‌خانی می‌گوید: وقتی موضوع این برنامه مطرح شد، بانوان برای این کار داوطلب شدند و هر کدام گوشه‌ای از کار را گرفتند. خیلی از آن‌ها از سراسر استان این کار را کردند و برخی هم با نذرهای دلی به این برنامه قدم گذاشتند.

● پذیرایی برای شادی دل کودکان

در همین بوستان با هم آشنا شده‌اند. یاد کلاس‌های آموزشی یا برنامه‌های ورزشی. در این ایام از پیشنهاد مدیر بوستان استقبال کرده و با هرچه در توان داشته‌اند، آمده‌اند تا مراسم سوگواری برای امام حسین (ع) را باشکوه برگزار کنند. بین خودشان تقسیم کار کرده‌اند تا در سه روز هم نذری‌های متفاوتی تهیه کنند و هم پذیرایی از مراجعان به بوستان مادر و کودک به شکل شایسته‌ای انجام شود. علاوه بر تهیه مواد غذایی، به فکر فضاآرایی و ورودی بوستان هم بوده‌اند و نمادهای محرمی و تصاویر شهدای جنگ تحمیلی دوم و سوم را بر در و دیوار نصب کرده‌اند.

هرکسی وارد می‌شود، این همدلی و نوع پذیرایی را تحسین می‌کند. طی سه روز، بیش از چهل بانو برای رونق این بساط نذری، همکاری کرده و خیلی از آن‌ها برای انجام این کار، فرزندان خود را هم شریک کرده‌اند.

مینا تجلی که یکی از هماهنگ‌کنندگان امور بوده است، می‌گوید: همه ما می‌دانیم که عزاداری برای امام حسین (ع) لزوماً به معنی توزیع خوراکی نیست. ما این بساط را بهین کرده‌ایم تا این سوگواری باشکوه باشد. در ضمن فکر می‌کنیم اگر در این روزها با پذیرایی از کودکان، دل آن‌ها را شاد کنیم، حتماً امام حسین (ع) اجر ما را می‌دهد.

زهرانگه مادری باظرف حلوا می‌آید. بانوی دیگری با خرماهای تزئین شده وارد می‌شود. دختری نوجوان با سینی لقمه‌های نذری سر می‌رسد و این حضور متفاوت، تصویری از همدلی بانوان منطقه ۱۱ است که تصمیم گرفته‌اند در روزهای دوازدهم تا پانزدهم ماه محرم، بساط نذری مادر و فرزندی را در بوستان مادر و کودک برپا کنند.

این اقدام داوطلبانه گروهی از بانوان منطقه، علاوه بر اینکه فضایی زیبا از نذری‌های محرمی ایجاد کرده، سبب شده است در این ایام و در یکی از بوستان‌های بزرگ منطقه ما، چراغ مراسم سوگواری شهادت امام حسین (ع) و یاران شهیدش روشن باشد. به این ترتیب، خیلی از بانوان مشارکت‌کننده نه تنها سفره نذری پهن کرده‌اند، بلکه سفره دل خود را پیش خداوند و ائمه اطهار (ع) گشوده‌اند تا از آن‌ها یاری بگیرند.



آسیب‌های جسمی نتوانستند نوجوان ووشوکار
محله چهاربرج را از ادامه مسیر منصرف کنند

رؤیاها با درد نمی‌شکنند

همه فکر می‌کردند به خاطر شکستگی پایم
گریه می‌کنم اما من به خاطر از دست رفتن
مدال ناراحت بودم.

● اوقات فراغت را چگونه می‌گذرانی؟

وقت خالی‌ام را در کلاس‌های آموزش زبان انگلیسی
سپری می‌کنم. الان هم به عنوان مربی زبان مشغول
تدریس بچه‌های پایه هستم.

● چه جالب! به هردو کار می‌رسی؟ آیا به درآمد هم رسیده‌ای؟

بیشتر از درآمد، تجربه برایم مهم است و اینکه با انگیزه‌ای که دارم،
توانسته‌ام هر دو فعالیت را مدیریت کنم.

● در ورزش، امکانات نقش مهم‌تری دارد یا اراده ورزشکار؟

امکانات و تجهیزات ورزشی در هر باشگاه می‌تواند در پیشرفت ورزشکار
تأثیر داشته باشد، اما در کسب موفقیت، اراده خود فرد حرف اول را
می‌زند. زمانی که پایم شکست، هیچ‌کسی فکر نمی‌کرد بتوانم ورزش
را ادامه بدهم اما با تشویق‌های پدرم و خانواده به ورزش حرفه‌ای و
قهرمانی بازگشتم و این نتیجه اراده است.

● دوست داری در آینده چه شغلی داشته باشی؟

دنبال گرفتن مدرک مربیگری ام هستم و دوست دارم به عنوان
مربی در حوزه ورزش بانوان فعال باشم. اگر بتوانم یک باشگاه
ورزشی برای بانوان ساکن در محدوده بولوار شاهنامه راه‌اندازی
کنم، باعث می‌شود دخترانم هم به آرزوهایشان نزدیک‌تر شوند.

امید محله

● در مسابقات چه موفقیت‌هایی کسب کرده‌ای؟

در طول این پنج سال موفق به کسب ۱۰ مقام
ورزشی شده‌ام که شامل ۹ مدال مسابقات ووشوی
نونهالان و نوجوانان استانی و یک مقام اول کشوری
در دو سال قبل بوده است.

● از حضورت در این رشته بر ایمن خاطرهای تعریف کن.

۳ سال قبل در مسابقات کشوری ووشو زمان مبارزه
با حریف، پای چپم شکست و نتوانستم مسابقات
را ادامه دهم. برای اولین بار بود که در مسابقات
دچار چنین حادثه‌ای شده بودم. با اینکه راهی
تا قهرمانی و مدال طلای مسابقات نداشتم،
مجبور به کناره‌گیری شدم و خیلی گریه کردم.



حسین برادران فرانسه پای شکسته مانع
موفقیتش نشد و نه کمبود امکانات در محله.
اسماء قربانی از روزی که پادر مسیر ورزش
گذشت تا امروز که آتافش پر شده از مدال‌های
رنگارنگ، همیشه این جمله را با خود مرور کرده
است: اراده‌ام از مشکلات قوی‌تر است. به همین
دلیل است که طی پنج سال فعالیت در رشته ووشو
او توانسته از قهرمانی در استان تارفتن روی سکوی
کشوری را تجربه کند. نوجوان محله چهاربرج علاوه بر
داشتن اراده، دختری موفق در زمینه زبان انگلیسی
است و در این سن کم، تدریس زبان به رده‌های
پایه را آغاز کرده است.

● چطور به ورزش ووشو جذب شدی؟

یازده ساله بودم که از طریق یکی از دوستانم با باشگاه
ووشوی پهلوانان در محله آشنا شدم و بعد از رفتن
به باشگاه از فضای صمیمانه و دوستانه آن خیلی
خوشم آمد و ثبت نام کردم.

● این رشته برایت چه جذابیتی داشت؟

به نظر آمد که شرایط خوبی برای تخلیه انرژی من دارد
و بیشتر به این دلیل هیجان زیاد آن جذب شد.

● مشوق در ورزش چه کسی بود؟

خانواده در این مسیر تشویق کردند. مادرم در همه
لحظات کنارم حضور داشت و تشویق‌های او بهترین
دلگرمی برای حضورم در مسابقات بوده است.



○ با این سن کم و جثه کوچک، پر بود از زیبایی؛ از سوگواری اش برای ائمه^(ع) گرفته تا پرچم ایرانی که به مچش بسته بود. مهلای پنج‌ساله، مادر بزرگ مسننش را که با ویلچر آمده بود، همراهی می‌کرد. این یکی از زیباترین تصاویر مراسم عزاداری مسجد امیرالمؤمنین^(ع) محله دانشجو در محرم امسال بود.

تصویر و متن از رضا حسابی، عضو کارگروه رسانه مسجد امیرالمؤمنین^(ع)



○ هفته گذشته، مادر میدان هفت خان، میزبان بچه‌های نظامی و نظاره‌گر ماکت موشک‌هایشان بودیم. هم از دیدن تجهیزات نظامی به روز و هم از حضور باصلابت نیروهای مسلح لذت بردیم. به نظرم نیروهای نظامی و مردم هیچ زمانی تا این اندازه با هم همدل و همراه نبوده‌اند.

تصویر و متن از عباس باروت‌کوب، عضو شورای اجتماعی محله کلاته‌برفی



محله به روایت شما

○ محرم امسال، از خانه گرفته تا میادین و کوچه‌ها و حسینیه‌ها متفاوت بود. امسال یک نماد دیگر هم در کنار علم‌های حسینیه داشتیم و آن هم تصاویر رهبر شهیدمان بود. رهبر مالایق‌ترین انسان برای شهادت بودند و فرار گرفتن تصویر ایشان در کنار پرچم‌های عاشورایی در بوستان مادر و کودک به شکوه مراسم اضافه کرده است.

تصویر و متن از مریم حسین‌خانی، محله دانش‌آموز



○ دختران و پسران شهر ما این روزها، بهترین حافظان آب در محلات هستند و برای کارهای تبلیغی کنار پرسنل اداره آب منطقه‌ای حاضر می‌شوند. در یکی از این همایش‌ها در پارک ملت، بچه‌ها را برای آموزش همراه بازی دعوت کردیم اما خودشان دنبال این بودند که نکات آموزشی درباره مصرف بهینه آب را به رهنموی آموزش دهند.

تصویر و متن از مهدیه شمشیری، فعال فرهنگی محله آزادشهر



○ امسال خیلی از کارهای هیئت عشاق‌الحسین^(ع) محله دانشجو را نوجوانان و بچه‌ها انجام دادند. انصافاً باید به مسئولیت‌پذیری آن‌ها آفرین گفت. کارها را خیلی خوب انجام دادند، به خصوص این دو عزیز آقایاسین و بهروز جان.

مهدی ملکی، اهالی محله دانشجو